

قرب و بعد علم کلام و حدیث در حوزه علمیه قم دوم (سدۀ چهاردهم شمسی)

رسول رضوی

(استاد گروه کلام و رئیس دانشکده علوم و معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث)

razav.r@chmail.ir

(تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵)

چکیده

حوزه «قم دوم» که در اوائل قرن چهاردهم هجری شمسی در مرکز فلات ایران و در شهری که حدود هشت قرن پیش از آن حوزه علمیه‌ای پربار و پر رونق داشت، بنیان گذاشته شد. از حیث فقه محور بودن، استمرار حوزه نجف بود و همین امر باعث شد تا جایگاه مباحث کلامی و حدیثی و همچنین رابطه این دو در پرده‌ای از ابهام قرار بگیرد و این سؤال مطرح شود که: در حوزه نوپدید قم، علم کلام با حدیث چه نسبتی داشته و رابطه این دو به چه شکل رقم خورده است؟ در پاسخ‌جویی این سؤال با استفاده از روش داده‌پردازی کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، گزارش‌های مختلفی که درباره زندگی استادان و نویسنده‌گان نامی این حوزه و نگاشته‌های صد سال اخیرشان نوشته شده بود، مورد مطالعه قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد که: دو علم یادشده، دو دوره متقابله را در حوزه معاصر قم طی کرده‌اند؛ در دوره اول، کلام با فاصله از حدیث، زمینه غربت حدیث را فراهم ساخته و در دوره دوم، به قرابت با حدیث و هم‌افزایی با آن پرداخته است. کلیدواژه‌ها: کلام حدیثی، غربت حدیث، حوزه علمیه، قم دوم، قرابت کلام، قم جدید.

«این مقاله با حمایت دبیرخانه دائمی کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم، دستاوردها و نکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی للہ تعالیٰ تألیف شده است.»

مقدمه

در حوزه‌های علمی امامیه به خصوص حوزه‌های علمی کوفه و بغداد، دانش‌های کلام و حدیث در کنار و همراه با هم بنیان گذاشته شدند و بالیدند و آن گاه که این دو علم در قرن سوم و چهارم هجری به حوزه «قم اول»، انتقال یافتند، گرچه علم کلام همچنان در کنار علم حدیث قرار داشت، اماً بالندگی حدیث، بیشتر از کلام شد و رنگ حدیثی علم کلام، افزون گشت و چند قرن بعد یعنی قرن هفتم و هشتم نیز آن گاه که نوبت سرافرازی علمی حوزه حله رسید، علم کلام با وجود همراهی با حدیث در نوشتۀ‌های جریان «محدثان - متکلم»، در نگاشته‌های «متکلم - فیلسوفان» از حدیث، بهره کمتری گرفت؛ ولی به هر ترتیب، از آن دوری نگزید و این دو علم در حوزه‌های یادشده و دیگر حوزه‌های علمیه امامیه همچون نجف و اصفهان در کنار هم بودند تا هنگامه تأسیس حوزه «قم دوم» در اوائل قرن چهاردهم هجری شمسی فرار رسید و حوزه‌ای نوپا در مرکز فلات ایران و در شهری که حدود هشت قرن پیش از آن حوزه علمیه‌ای پربار و پررونق داشت، تأسیس شد. این جا بود که فاصله گرفتن کلام از حدیث، ملموس شد و به تعبیری دیگر، نسبت میان آن دو در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و این مسئله مطرح شد که در حوزه نوپدید قم، علم کلام با حدیث چه نسبتی داشته و رابطه این دو به چه شکل رقم خورده است؟ در پاسخ جویی این سؤال با استفاده از روش داده‌پردازی کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، گزارش‌های مختلفی که درباره زندگی استادان و نویسندهان نامی این حوزه و نگاشته‌های صد سال اخیرشان نوشته شده بود، بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که متأسفانه در میان پژوهش‌های صورت گرفته درباره تاریخ علم کلام یا تاریخ علم حدیث، رابطه علم کلام با علم حدیث و قرب و بعد این دو از یکدیگر در حوزه قم معاصر تا کنون مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته و پیشینهٔ پژوهشی خاصی در این باره وجود ندارد. همین امر، باعث شد ضمن اهمیت یافتن نگارش چنین پژوهشی برای پر کردن خلاً یادشده، به ضرورت انجام یافتن آن جهت شناخت رابطه دو علم تقریباً همزاد و همراه در حوزه قم معاصر، به تحلیل چگونگی و تحلیل این رابطه پرداخته شود؛ از این رو اکنون می‌توان ادعا کرد که مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که رابطه علم کلام و علم حدیث از آغاز تأسیس حوزه قم معاصر تا زمان حال، دو دوره اصلی را پیموده است:

۱. دوره اول: غربت حدیث در مباحث کلامی در حوزه قم دوم

گرچه به اتفاق گزارشگران تاریخ معاصر ایران، مؤسس حوزه نوپدید قم، آیة الله حائری یزدی، پرورش یافته حوزه نجف هستند، لکن ناگفته پیداست که تأسیس چنین حوزه‌ای آن هم در فلات ایران و در تاریخ و فرهنگی متفاوت از تاریخ و فرهنگ عراق، مستلزم تأثیرپذیری آن از فرهنگ جغرافیای جدید بود؛ جغرافیایی که مردمانش در حال گذر از سنت‌های فرهنگی تاریخی خود و حرکت به سوی فرهنگ نورسیده غربی بودند و طبقه روش فکران این دوره، گذر از سنت به تجدد را به ترک داشته‌ها و تقليد از غرب تنزل داده (کمره‌ای، ۱۳۸۴/۲: ۱۳۹۹) و مشروطه را به نفع خود تغییر مسیر داده و دولت پهلوی را به جای سلسله قاجار نشانده بودند (راوندی، ۱۳۵۴: ۱۹۲/۳). این تغییر مزاج در فرهنگ دینی بر روی افراد تأثیر گذاشت و آنان را به فکر بازبینی و تغییر در روش‌ها و باورهای دینی انداخت و در نهایت، به مخالفت با حدیث و متهم کردن آن به ضعف و خرافه انجامید، به گونه‌ای که خواسته و ناخواسته، علم کلام به پهانه‌های واهی از خوان نعمت معارف حدیثی محروم شد و بدین ترتیب، فصل جدیدی به نام «دوره غربت حدیث در مباحث کلامی» ایجاد شد.

۱ - ۱. خاستگاه اندیشه دوری از حدیث

گرچه اندیشه دوری از حدیث، ریشه در صدر اسلام داشت و اوّلین بار خلیفه دوم با شعار «حسبنا کتابُ الله» (بخاری، ۱۴۱۰: ۹۴/۷؛ مسلم، ۱۴۱۲: ۱۲۵۹/۳) آن را مطرح کرد و موجب شکل‌گیری جریانی شد که مهم‌ترین تأثیر آن، منع کتابت حدیث، نپذیرفتن مرجعیت علمی اهل بیت علیه السلام، بروز جریانات ظاهرگرایی در فهم قرآن، وضع و جعل هزاران حدیث، تحریف معنوی قرآن و بروز برخی برخوردهای فیزیکی و خشونت‌آمیز بین مسلمانان بود (هاشمی علی‌آبادی و داورپناه، ۱۳۹۸: ۱۰۶/۶۱)، اماً بعدها از رونق این جریان کاسته شد تا این که دوباره در قرن سیزده شمسی در میان اهل سنت و در جغرافیای شبه قاره هند و مملکت مصر، اندیشه بی‌نیازی از حدیث، از نو، جانی تازه گرفت (همان‌جا) و به زودی به ایران فرهنگی نیز نفوذ یافت، با این فرق که بسترساز اصلی گرایش به دوری از حدیث، در میان برخی از تجدد طلبان ایرانی، حوادث تاریخی قرن سیزدهم شمسی و نیمه دوم عصر قاجار بود؛ چرا که عده‌ای به توهم گذر از سنت به تجدد، از حدیث و روایات شیعی - که نماد سنت به شمار می‌آمد - دست کشیدند و به پهانه یافتن

راهی برای ایجاد وحدت میان گروههای مسلمان (ر.ک: غلامی، ۱۳۸۹: ۵۶)، بازیابی عظمت و شکوه گذشته تمدن اسلامی و ایستادگی در مقابل استیلا و استعمار غربی، حدیث شیعه و یا احادیث را که حقانیت امامیه را اثبات می‌کرد، کنار گذاشتند و باعث غربت حدیث و جدایی مباحث کلامی از آورده‌های حدیثی شدند. در شکل این نوع از نگاه گرچه افراد متعددی نقش داشتند، شاید بتوان افرادی نظیر سید اسدالله خرقانی، شریعت سنگلجی و شیخ محمد خالصی‌زاده را بنيان این شیوه از حدیث‌گریزی دانست (تصدیقی شاهرضايی، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

خرقانی (م ۱۳۱۵ ش) تحصیل کرده حوزه‌های قزوین و تهران و از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و شیخ هادی نجم‌آبادی بود (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۲۳) و قبل از رفتن به حوزه نجف، زبان فرانسه می‌دانست و در حوزه نجف نیز به درس بزرگانی چون آخوند خراسانی حاضر می‌شد تا این که در آستانه مشروطه، دسته‌ای از روحانیون متجلد را پدید آورد (تصدیقی شاهرضايی و مؤدب، ۱۳۹۳: ۲۹) و عالم تجدخواهی برافراشت. البته در این تجدخواهی، گویا بیشتر تحت تأثیر اساتید تهرانی اش و شاید سید جمال اسدآبادی بود (ر.ک: خرقانی و روحانی، ۱۳۸۴: ۳۵/۵۶)؛ تصدیقی شاهرضايی و مؤدب، ۱۳۹۳: ۲۹). او با این که چونان متكلّمان پیشین، نگاشته‌های کلامی متعددی چون: رساله رد نصاری (کشف الغواية فی رد الهدایة)، رساله اصول عقاید، رساله رد دارونیست‌ها، پنج جزوه رد مبلغین نصاری، رساله نبوت خاصه و ابديت اسلام و حماسه با ادبیان، برهان الساطع فی اثبات الصانع، نشر داد، اماً متأسفانه در روش کلامی، رو به افراط نهاد و بیشتر بر کلام، جدا از حدیث تکیه کرد.

مهم‌ترین ادعاهای خرقانی در کتاب محو الموهوم و صحیح المعلوم بیان شده است. او تحت تأثیر نظریه «پان اسلامی» (گرانتوفسکی، ۱۳۵۹: ۳۷۲)، این اندیشه را مطرح می‌کرد که «غیر قرآن هر چه از هر که هست، مسکوت عنہ بگذارند تا آن که کلیه عقاید و اصول را از قرآن بیاموزند، مانند اصحاب سعادت. غیر از این علاجی نیست» (جعفریان، ۱۳۹۲: نیز ر.ک: زارع، ۱۳۹۴: ۴۴/۱۸۱). از این رو می‌نویسد: «میزان صحیح و محکم برای تشخیص عوائد عرفی از اصل شرعی، سه امر است: اول قرآن مجید؛ دوم سنت متقنه بین فرق مختلفه مسلمین؛ سوم عملیات ذات اقدس رسالت در مدت بیست و سه سال» (روحانی، ۱۳۸۴: ۳۵/۵۷)؛ نیز ر.ک: خرقانی، ۱۳۱۵). قید سنت به «متقنه بین فرق مسلمین»، معنایی جز کنار گذاشتن روایات امامیه که شامل قول و فعل و تقریر امامان دوازده‌گانه بود و البته متقنه بین همه فرق

مسلمین نبود هم می‌شد.

شخصیت دوم که او نیز همانند خرقانی، خارج از حوزهٔ نوتأسیس قم بود، ولی اندیشه‌هایش بر نشینان این حوزه تأثیر گذاشت، محمدحسن شریعت سنگلچی (م ۱۳۲۲ش) نام داشت. او تحصیلات و مطالعات خود را در مدارس داخل ایران و بیشتر در درس اساتید مکتب حکمت متعالیه به انجام رسانده و حضر اساتیدی چون: عبدالنبوی نوری، میرزا حسن کرمانشاهی و میرزا هاشم اشکوری را درک کرده بود (ر.ک: مدرسی چهاردهی، ۱۳۵۲: ۱۱۹) و چهار سال نیز در حوزهٔ نجف فقه می‌آموخت (دهقانی و علیپور سیلاپ، ۱۳۹۲: ۳۲/۷)، لکن پس از بازگشت به ایران، تحت تأثیر درس‌های اسدالله خرقانی با اندیشهٔ بازگشت به قرآن و به گفتهٔ خود، مبارزه با خرافات و بدعت‌های دینی (همان: ۳۳/۷ - ۳۴)، در دام حدیث‌گریزی و در نهایت، حدیث‌ستیزی افتاد. او در مقدمهٔ کتاب کلید فهم قرآن می‌نویسد: «هزارگونه شرک و بتپرستی به اسم دین توحید رونق پیدا کرده و هزار قسم بدعت و خرافت به نام سنت پیغمبر رابح شده است و اگر مسلمین به همین طریق پیش بروند و امتیاز میان حقیقت و مجاز داده نشود، هیچ عاقل و درس خوانده‌ای در دین نمی‌ماند» (سنگلچی، ۱۳۴۵: ۶).

این شیوه از حدیث‌ستیزی که به نام اصلاح‌گری و خرافات‌ستیزی شکل گرفته بود (ر.ک: مدرسی چهاردهی، ۱۳۵۲: ۱۱۶ / ۱۱۶ - ۵۱۸)، در حوزهٔ نوتأسیس قم نیز رخ نموده و اندک پیروانی پیدا کرد. از این رو لازم است به پیروان این اندیشه هم اشاره شود:

۱ - پیروان اندیشهٔ دوری از حدیث در حوزهٔ نوپدید قم

اندیشهٔ کنار گذاشتن حدیث با شعار بازگشت به قرآن در جغرافیای حوزهٔ علمیه قم دوم، از سوی برخی افراد که البته چندان نقش و نفوذی در بدنۀ علمی این حوزهٔ نوتأسیس نداشتن، دنبال شد و افرادی مثل حکمی‌زاده، برقعی و قلمداران (ر.ک: غلامی، ۱۳۸۹: ۵۶)، با کنار گذاشتن روایات در مباحث کلامی، در دام سلف‌گرایی و قرآن‌بسندگی گرفتار آمدند.

علی‌اکبر حکمی‌زاده قمی (م ۱۳۶۶ش) در مدرسهٔ «رضویه» قم - که گویا پدرش آن جا را بازسازی کرده بود و اداره می‌کرد -، به عنوان طلبۀ درس می‌خواند؛ ولی بعد از بروز دادن افکار تجدّدطلبانه‌اش خود را خلخ لباس کرد. او در سال ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ش مجله‌ای در قم با نام «همایون» منتشر می‌کرد که تا شمارهٔ دوازدهم استمرار یافت و هدف‌ش از نشر این مجله، ترویج

باورهای سنگلجی و کسروی بود (دھقانی و علیپور سیلاپ، ۱۳۹۲: ۷/۳۳). خود وی بیش از سی مقاله در آن مجله نوشت. همچنین علی‌اکبر برقلی، ابوالحسن طالقانی، محمدتقی اشراقی نیز در آن مجله مقاله‌ای نوشتند. دفتر آنها در مدرسهٔ رضویه قرار داشت؛ ولی پس از مدتی، چاپ مجله متوقف شد و بعد از آن بود که حکمی‌زاده، کتاب اسرار هزارساله را - که امام خمینی^{ره} ردیه‌ای بر آن نوشته است - منتشر کرد (همانجا).

دومین پیرو نظریهٔ کنار گذاشتن حدیث، ابوالفضل برقلی قمی (م ۱۳۷۰ش) بود که علاوه بر تحصیل در حوزهٔ قم، گویا سه سال نیز در حوزهٔ نجف اشرف در درس فقهای این شهر شرکت داشت. او در ۴۵ سالگی، این ایده را مطرح کرد که در مذهب شیعه، خرافات زیادی وجود دارد که بر خلاف آموزه‌های قرآن هستند و به گفتهٔ خودش، سعی کرد تا با این خرافات، مبارزه کند. او معتقد بود که قرآن، احتیاج به تفسیر ندارد؛ چون تفسیر، نظر انسانی است، در حالی که قرآن، سخنان خداست و هر فرقهٔ اسلامی، به نفع خودش، قرآن را تفسیر می‌کند؛ با این حال، برای غیر عرب‌زبان، باید قرآن را خوب ترجمه کرد، نه تفسیر (ر.ک: محمدی‌فام و نبوی، ۱۳۹۷: ۵۹/۹۹ - ۹۷/۱۲).

او همچنین در کتاب درسی‌اش، «ولایت‌ناباوری» خود را به عنوان «اندیشهٔ ولایت‌تکوینی» مطرح می‌کند و در صدد اثبات آن برمی‌آید (ر.ک: برقلی، ۱۳۸۸: ۶۲ - ۶۸) و جایگاه امامان و به دنبال آن حدیث امامیه را مورد تشکیک قرار می‌دهد؛ شاید در ادامهٔ سنت‌ستیزی و به اصطلاح هموارکردن شعار قرآن‌بسندگی باشد که برخی از کتاب‌های محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه را به فارسی برگرداند و از آرای ایشان حمایت کرد (برقلی، الف: ۱۳۹۴: ۴۰).

حیدرعلی قلمداران (م ۱۳۶۸ش) سومین پیرو مسالک حدیث‌ستیزان است (ر.ک: جعفری و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۳/۱۲۳ - ۱۵۳؛ موسی‌وند، ۱۳۹۹: ۱۰۴/۱۸۵ - ۲۰۰) که درسی سالگی به خدمت ادارهٔ فرهنگ قم درآمد (جعفریان، ۱۳۸۴). او به نوعی ادامه‌دهندهٔ راه سید اسدالله خرقانی و شریعت سنگلجی و از دوستان نزدیک برقلی و سید مصطفی طباطبائی بود و از جوانی به آثار محمد خالصی (م ۱۳۴۳ش) علاقه داشت و از این رو به ترجمهٔ آنها همت گماشت (همان).

در مقالاتی که در نشریات مختلف منتشر می‌کرد، بر شعار اصلاح دین و زدودن خرافات و بازگشت به قرآن تکیه می‌کرد و خود را ناقد غالیان و گرایش‌های غالیانه معرفی می‌کرد و کتاب راه نجات از شر غلات را در این راستا و در نقد و رد شفاعت، زیارت و غلو نوشته بود (ر.ک:

قلمداران، ۱۳۹۵: ۲۷۱، ۳۸۵ و ۵۷۱). در کتاب دیگرش به نام شاهراه اتحاد، اعتقاد رایج شیعه در مورد امامت را زیر سؤال برد بود (ر.ک: قلمداران، ۱۳۹۰). همین چالش طلبی‌ها باعث شده بود تا برخی او را متمایل به وهابیگری به حساب آورند و سایتها و هابی به شدت او و برقعی را تمجید و کتاب‌هایشان را ترویج کنند (ر.ک: قلمداران، ۱۳۹۵: ۲۷۱، ۳۸۵ و ۵۷۱).

برخی از نویسنده‌گان، گرایش به سمت حدیث‌گریزی و حدیث‌ستیزی از سوی این افراد را ایجاد فضایی تقاضا می‌کنند برای رسیدن به وحدت و اتحاد بین مسلمانان دانسته‌اند و بر این باورند که آنان طرح بازگشت به قرآن را با هدف از بین بردن اختلافات بین مذاهب اسلامی ارائه کرده‌اند؛ چرا که در تحلیل‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که سبب انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، دوری از قرآن و فهم نادرست دین و آموزه‌های قرآنی بوده است و توضیح نداده‌اند که اولاً چرا منشأ اختلافات را احادیث می‌دانند، نه عاملی دیگر؟ ثانیاً اگر بهره‌گیری از حدیث، عامل انحطاط است، پس چرا چنین تمدّنی در قرون چهارم و پنجم اسلامی و آن هم بعد از رواج حدیث و علوم مرتبط با آن در قرن دوم و سوم، به وجود آمد؟!

به هر صورت، این افراد و همراهان فکری ایشان با شعار بازگشت به قرآن و با کنار گذاشتن حدیث، اندک از دایرة شیعه امامیه پیرون شدند و چون تمایلی به ورود در جرگه اهل سنت نداشتند، در بزرخ «از اینجا رانده و از آنجا مانده»، گرفتار آمدند.

۱ - ۳. استمراردهنده‌گان اندیشهٔ دوری از حدیث

با مرگ برقعی، قلمداران و دیگر سنت‌ستیزان، این اندیشه از بین نرفت و افرادی چون مهدی قاسمیان، محمد تقی محمدی خجسته، سید جلال جلالی و محمد تقی حسینی ورجانی آن را استمرار بخشیدند (غلامی، ۱۳۸۹: ۵۶). این افراد، از سوی برخی که ناخواسته به القاء نوعی مدح دچار شده‌اند، به نام «جريان قرآنیان شیعه» معروف شدند (ر.ک: تصدیقی شاهرضاei، ۱۳۹۳: ۱۰۷؛ ۱۰۷: ۱). در حالی که شاید عنوان «حدیث‌ستیزان» و «منکران سنت مقصومان» و یا حتی نام « جداکننده‌گان عترت از قرآن» برای آنان برازنده‌تر به نظر می‌رسد؛ چرا که پیروان این جریان - که قرآن را در بخش اعتقادات، کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانستند -، چشم خود را بر روی بخش وسیعی از روایات بستند و سنت را به طور جدی، مورد تقدیر قرار دادند و بدین ترتیب، عقایدی مانند: امامت، شفاعت، توسل، رجعت و شعایری مانند: عزاداری، زیارت و ساخت حرم و گل دسته و گنبده و

روایاتی را که در این زمینه وارد شده بود، به شدت مورد انتقاد قرار دادند (ر.ک: تقوی، ۱۳۲۶: ۴ - ۷؛ سنگلچی، ۱۳۴۵: ۴۱ - ۴۰؛ فرید تنکابنی، ۱۳۵۶: ۱۵؛ شعار، ۱۳۶۹: ۸؛ برقی قمی، ب ۱۳۹۴: ۴۶ - ۵۱؛ همو، ۱۳۹۵: ۱۹/۱).

۲. دوره دوم: قربت حدیث در مباحث کلامی در حوزه قم دوم

همان گونه که گفته شد، نه تنها جریان حدیث‌ستیزی برآمده از هیجانات دوره گذر از سنت به تجدد اواخر قاجار و اوائل پهلوی در بدنه علمی حوزه علمیه قم وارد نشد و امکان یارگیری پیدا نکرد، بلکه با اندکی تأخیر و با کم‌رنگ شدن فشارهای طبقه‌روشن‌فکر که حکومت پهلوی را بسر کار آورده بودند و با شعار تجدّد به دین‌ستیزی می‌پرداختند و با رفتن رضاشاه و ایجاد فرصت جدید، فصل جدید توجه به حدیث و آغاز احیای قربت علم کلام و علم حدیث شروع شد و تلاش‌های متعدد و متنوعی برای ملموس کردن این قربت صورت گرفت که از جمله نمادین ترین آنها کتاب اربعین حدیث یا شرح چهل حدیث، امام خمینی (س) بود که در سال ۱۳۱۸ شمسی به زبان فارسی نوشته شد. در این اثر، چهل حدیث از روایات اصول کافی (۳۴) حدیث اول - غیر از حدیث ۱۱ - در مسائل اخلاقی و ۶ حدیث آخر در مسائل اعتقادی) شرح شده‌اند. کتاب دیگر ایشان نیز به نام شرح حدیث جنود عقل و چهل - که به نوعی می‌توان آن را از مباحث مهم لطیف کلام به حساب آورد - خود نشان از حرکت حوزه قم دوم به سمت احیای حدیث و پرداختن به مباحث اعتقادی - معرفتی داشت؛ اما این نوع از کتاب‌ها آغازی برای بازیزوهی احادیث اعتقادی بودند و بعد از تأییف آنها فعالیت‌های دیگری در تقریب حدیث و کلام صورت گرفت که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲ - ۱. باز آفرینی تراث حدیثی و کتاب «جامع أحاديث الشيعة»

با وجود تلاش گروهی که به اسم بازگشت به قرآن به حدیث‌ستیزی می‌پرداختند و استفاده از حدیث در مباحث کلامی بین المذاهب را مورد هجمه قرار می‌دادند، رجوع به حدیث در حوزه علمی قم همچنان دایر بود و هرگز رخنه‌ای در بهره‌گیری از حدیث در مباحث فقهی ایجاد نشد و علم فقه همچنان با تکیه بر حدیث به تقریب مسائل می‌پرداخت؛ لکن با ورود آیة الله بروجردی در ۹ دی ۱۳۲۳ ش، به حوزه قم، بهره‌گیری فقه از حدیث افزون شد (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۷/۷ - ۳۰) و ایشان بر این بهره‌مندی اکتفاء نکردند و با همکاری شاگردانشان تأییف کتاب حدیثی جدیدی با نام جامع أحاديث الشيعة فی احکام الشريعة را آغاز کردند که کاستی‌های کتاب وسائل

الشیعه را نداشت و به نوعی، تهذیب، تکمیل، تنقیح و تتمیم کتاب وسائل الشیعه به شمار می‌آمد (ر.ک: رحمان‌ستایش، ۱۳۸۴: ۳۱۶/۹ - ۳۱۸). گرچه این کتاب، بیشتر روایات فقهی و به دنبال آن، روایات سُنن، آداب، اخلاق، دعاها و اذکار را با چینش و نظمی خاص برای تسهیل مراجعه فقهها تنظیم کرده، ولی مهم آن است که این کتاب به همراه سیره عملی آیة الله بروجردی، باعث برافتدان فرهنگ نویدی حدیث‌ستیزی افرادی چون «قرآنیون» شد و زمینه و بستر نزدیکی علوم حوزوی به حدیث و به تبع آن، احیای کلام حدیثی را فراهم ساخت.

۲ - انتقال و تکمیل تراث حدیثی کلامی هند به حوزه قم

اتفاق جالب توجه در این دوره، انتقال تراث کلامی عظیمی بود که در شبہ قاره هند به وجود آمده بود و از داشته‌های علمی مهم شیعه در عرصه کلام - حدیثی به شمار می‌آمد؛ نماد این انتقال دو کتاب زیربودند.

۲ - ۱. ملحقات احقاق الحق

کتاب *إحقاق الحق و إزهاق الباطل* از منابع کلامی مهم نگاشته شده در شبہ قاره هند بود که از سوی آیة الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (۱۳۶۹م) در حوزه قم دوم، مورد توجه و بازپژوهی قرار گرفت. ایشان که درس آموخته عتابت عالیات بود و به درخواست آیة الله عبدالکریم حائری در حوزه قم جدید مشغول به تدریس شده بود، با احیای کتاب *إحقاق الحق و إزهاق الباطل* نوشته قاضی نورالله شوستری (۱۰۱۹م) - که در رد کتاب ابطال نهج الباطل و اهمال کشف العاطل، فضل الله بن روزبهان نوشته شده بود -، جریان کلام حدیثی را در این حوزه تقویت کرد و کتاب پرحجم ملحقات احقاق الحق را - که به همت ایشان و از سوی گروهی که بدین منظور با عنوان «لجنة التحقيق احقاق الحق»، در سال ۱۳۳۶ ش تشکیل شده بود - به جامعه علمی تقدیم کرد (ر.ک: موسوی، ۱۳۷۶: ۲). چاپ چنین کتابی که مناقب و فضائل ائمه عليهم السلام و حضرت زهراء عليها السلام را از تمام کتاب‌های چاپ شده و خطی دانشمندان اهل سنت در حدیث و تفسیر و تاریخ، استخراج و گردآورده بود، نشانی از تقریب حدیث و کلام در حوزه علمیه قم داشت. جالب آن که این کتاب با اندک فاصله‌ای به شیوه نوین در قالبی دیگر و با عنوان موسوعة الإمامة فی كتب أهل السنة^۱، بازسازی و پردازش شده است (کوشان، ۱۳۹۰: ۶۹/۱۲۸ - ۷۶).

۱. مرعشی، شهاب الدین (۱۳۹۷)، موسوعه الإمامة فی نصوص أهل السنّة، باهتمام محمود مرعشی و محمد اسفندیاری. قم: صحیفه خرد و کتابخانه آیة الله العظمی مرعشی نجفی.

۲ - ۲ - نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الأنوار

دومین کتاب از تراث کلامی شبه قاره که در حوزهٔ قم جدید مورد بازیثوشه‌ی قرار گرفت، عبقات الأنوار میرحامد حسین (م ۱۳۰۶) بود. او در کتابش سعی کرده با ثبت اسناد و طرق، همچنین با توثیق راویان، تحقیق متون و نصوص، تواتر احادیث چون حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث ولایت، حدیث مدینة العلم، حدیث طیر، حدیث اشیاه و... را قرن به قرن، نشان دهد. او در این کتاب، با تبیین و توضیح معانی و مفاهیم احادیث، دلالت آشکار آنها را نه از یک جهت که از جهات بسیاری برخلافت و امامت امیرمؤمنان علیهم السلام برای همگان آشکار کرده (ر.ک: یعقوبی، ۱۳۹۵: ۱/۲۱-۱۸) و کتاب حدیثی -

کلامی معتبری را به وجود آورده بود که از آن تعبیر به «کمنظیر» می‌کنند.

برای بازیابی و بازسازی کتاب عبقات در حوزهٔ قم دوم، از سوی پژوهشگران این حوزه، کارهای متعددی صورت گرفت که از جمله آنها می‌توان به تلاش آیة الله غلامرضا مولانا بروجردی (م ۱۳۹۴ ش) اشاره کرد (خبرگزاری رسمی حوزه: ۱۳۹۴/۱۲/۲۹). ایشان کتاب خود را با تحقیق و تصحیح قسمت مربوط به حدیث غدیر عبقات الأنوار، تخریج احادیث و اخبار، مقارنه نصوص نقل شده با مصادر و منابع و تعیین شماره جلد و صفحات در ده جلد، به سال ۱۴۰۴ - ۱۴۱۱ در قم منتشر ساخت.^۱

اما مهم‌ترین تلاش برای احیای این کتاب از سوی آیة الله سید علی حسینی میلانی (متولد ۱۳۶۷ق) صورت گرفت؛ وی با تلخیص و تعریف مجلّدات منتشر شده عبقات الأنوار - که نخست در ده جلد و با عنوان خلاصة عبقات الأنوار انتشار یافته بود و پس از آن با نام نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الأنوار در بیست جلد منتشر شد -، به احیای این کتاب پرداخت. در این کتاب از شیوه‌ای بدیع در بیان محتوای کتاب عبقات الأنوار استفاده شده، مثل: تلخیص کتاب، تبدیل زبان کتاب از فارسی پیچیده قدیم به عربی روان معاصر، اضافه کردن قسمتی تحت عنوان «ملحق» در بخش سند احادیث، بیان مدارک مطالب نقل شده در عبقات بر اساس چاپ‌های رایج موجود در شیعه و اهل سنت (ر.ک: طالعی، ۱۳۹۰: ۱).

علاوه بر این تلاش برای احیای شیوه عبقات الأنوار در بررسی احادیث کلامی از سوی مراکز

۱. برای دیدن زندگی نامه «حضرت آیت الله غلامرضا مولانا بروجردی»، ر.ک: سایت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان، شهر بروجرد (<https://boroujerd.farhang.gov.ir/fa/mafakher/molana>)

علمی متخصص در امامت بی‌گیری شده و پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی در این زمینه در حال تدوین بوده و در «کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه میرحامد حسین لکهنوی» (<https://laknavi.ir>) که گویا پاییز سال ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد، از این فعالیت‌ها رونمایی می‌شود.

۲ - ۳. بازآفرینی حدیث - کلامی

در دوره قرابت حدیث و کلام علاوه بر بازبُزوهی آثار کلامی دیگر حوزه‌ها اتفاق دیگری نیز رخ داد و سنت حدیثی - کلامی که ریشه در حوزه‌های کهن شیعه یعنی مدینه، کوفه و بغداد داشت و اتفاقاً حوزه «قِم اول» در قرون سوم و چهارم بدان مشهور شده بود (رضوی، ۱۲۹۶: ۲۵۱)، در حوزه نوپدید قم، بازآفرینی و احیاء شد. این نوع از کلام با ویژگی همپوشانی حدیث و کلام، مصادق کامل تقریب علم حدیث به علم کلام بود و نمودهای مختلفی در حوزه علمیه قم داشت که در زیر به معرفی سه مورد بسنده می‌شود.

۲ - ۳ - ۱. کتاب «منتخب الأثر» و همسویی حدیث و کلام

آیة الله صافی گلپایگانی (م ۱۴۰۰ ش) از جمله شاگردان آیة الله بروجردی بود که به توصیه آیة الله بروجردی با نوشتن کتاب *منتخب الأثر* فی الامام الثانی عشر علیه السلام همراه شدن علم کلام و حدیث در مسئله امامت را به ظهور رساندند و مرحله قرابت حدیث و کلام در حوزه قم معاصر را آغاز کردند. این کتاب، برگزیده‌ای از احادیث کتاب‌های شیعه و اهل سنت بوده (ر.ک: کریمی و دانشی، ۱۴۰۰: ۱۵۷ / ۱۷۹ و ۸۳۰). حدیث دربردارد و در ده فصل و هر فصل در چند باب تنظیم شده تا به اثبات وجود و امامت امام مهدی علیه السلام و مسائل مرتبط با آن حضرت پیرداد. البته نویسنده گاه در پاورقی، توضیحاتی درباره احادیث ذکر کرده است (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰). ایشان علاوه بر این کتاب کلامی - حدیثی، الهیات در نهج البلاغه را نیز منتشر کرده‌اند که شامل مباحث خداشناسی و برخی از مطالب مربوط به نبوت، برگرفته از احادیث نهج البلاغه است. جالب آن که رفع اختلاف و ایجاد اتفاق و اتحاد را یکی از اهداف این کتاب معرفی می‌کنند (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۱۰) تا پاسخی باشد بر شبهه گروه قرآنیون که با ادعای ایجاد وحدت، قصد کنار گذاشتن حدیث ائمه علیهم السلام را داشتند. این نوع از پاسخگویی‌ها در برابر گروه جدایندگان قرآن از عترت را در کتاب‌های دیگر ایشان نیز می‌توان مشاهده کرد؛ کتاب‌هایی مثل: پاسخی به کتاب عقیده مهدویت در شیعه امامیه؛ اصالت مهدویت؛ تجلی توحید در نظام

امامت؛ ولایت تکوینی و ولایت تشریعی؛ عقیده نجات‌بخش؛ پیرامون روز تاریخی غدیر و...
 (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۷۹: ۶/۳۹۳).

شاید ذکر این نکته در دانستن سرگذشت کلام حدیثی مهم باشد که بعد از وفات آیة الله بروجردی، حدیث و کلام همچنان و در کنار هم به رشد خود ادامه می‌دادند تا این که در اواخر دهه چهل و اوائل دهه پنجاه، اتفاق جدیدی رخ داد و صالحی نجف‌آبادی با تألیف کتاب شهید جاوید، در کنار ضعیف شمردن برخی از احادیث، بعضی از اعتقادات در زمینه علم امام را نیز زیر سؤال بُرد (ر.ک: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۵۰: ۳۶۷ به بعد). نگارش این کتاب باعث شد تا مکمل بودن حدیث و کلام بیشتر رخ نماید و ضرورت تقویت وجه همپوشانی این دو علم، نمود روش‌تری به خود گیرد و کتاب‌هایی در نقد و پاسخ به شباهت شهید جاوید نوشته شود و بر رونق کلام - حدیثی در حوزه علمیه قم افزوده شود. از جمله این آثار می‌توان به کتاب حسین لاثله شهید آگاه و رهبر نجات‌بخش نوشته آیة الله لطف‌الله صافی گلپایگانی اشاره کرد (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۶۶). ایشان در این کتاب با بررسی روایات به این نتیجه رسیدند که برنامه امام حسین لاثله قیام و شهادت بود و او به آن علم داشت (همان: ۵۷).

۲ - ۳ - ۲. الإلهيات فی مدرسة أهل البيت

آیة الله العظمی سبحانی (متولد ۱۳۰۸ ش) مؤسس مرکز تخصصی کلام اسلامی، کتاب‌های کلامی متعددی تحریر کرده که برخی از آنها همچون العقيدة الاسلامية علی ضوء مدرسة اهل بیت‌الله و البداء فی الكتاب و السنة را می‌توان در ردیف کتاب‌های کلامی - حدیثی قرار داد؛ لکن به نظر می‌رسد کتاب الإلهيات فی مدرسة أهل البيت لـ سبحانی، نگاشته استاد آیة الله علی ربّانی گلپایگانی (متولد ۱۳۳۴ ش)^۱ - که آن را در سال ۱۳۷۸ش منتشر ساخت - (ر.ک: ربّانی گلپایگانی، ۱۳۷۸)، ویزگی خاصی در میان کتاب‌های کلامی - حدیثی داراست و می‌تواند الگویی برای تحکیم روش کلامی - حدیثی قرار گیرد.

۲ - ۳ - ۳. موسوعة العقائد الإسلامية فی الكتاب و السنة (دانشنامه عقاید اسلامی)

آیة الله ری‌شهری، بنیان‌گذار مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث را می‌توان مهم‌ترین شخصیت معاصر در تقریب بین حدیث و کلام دانست. ایشان که پیش از انقلاب و پس از آن و

۱. برای دیدن زندگی‌نامه و آثار «علی ربّانی گلپایگانی»، ر.ک: ویکی نور (<https://fa.wikinoor.ir/wiki>)

قبل از تأسیس مؤسسه دارالحدیث، کتاب‌های متعددی درباره اعتقادات دینی مانند: درس‌هایی از اصول عقاید، بهترین راه شناخت خدا، شناخت پیامبران و پیام، عدل در جهان‌بینی توحید، مبانی خداشناسی و... تأییف کرده بودند^۱، بعد از تأسیس رسمی مؤسسه یادشده به سال ۱۳۷۴ش، کتاب‌های دیگری همچون: خردگرایی در قرآن و حدیث، اهل بیت در قرآن و حدیث^۲ و... را با همکاری دیگر پژوهشگران این مؤسسه تدوین کردند و سعی شان براین بود تا تمامی روایات مربوط به موضوعات کلامی مورد نظر را از مصادر روایی شیعه و اهل سنت، گردآوری کنند و مصادر روایات را در پاورقی به ترتیب معتبرترین سند بیاورند؛ اما اوج کار ایشان در هم‌افزایی علم کلام و حدیث در کتاب موسوعة العقائد الإسلامية في الكتاب والسنّة^۳ – که داشن‌نامه‌ای است برای عرضه نظاممند آیات و احادیث اعتقادی با توضیح و تحلیل بر پایه قرآن و حدیث –، نمود پیدا می‌کند (ر.ک: رضوی، ۱۳۹۳: ۲۴۴ – ۲۴۶). این کتاب که با نام داشن‌نامه عقاید اسلامی^۴ به فارسی ترجمه شده، بعد از گردآوری آیات و احادیث اعتقادی و تنظیم موضوعی آنها، به تحلیل مباحث مهم و حل تعارضات احتمالی می‌پردازد و به برخی شباهات مربوط به عقاید اسلامی پاسخ می‌دهد.

۲ - ۴. کتاب‌های درسی معارف و عقاید

شاید آخرین تلاش‌ها برای هم‌افزایی حدیث و کلام، در مجموعه کتاب‌های درسی معارف و عقاید که تا کنون هفت شماره از آن از سوی دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه نشر یافته، اتفاق افتاده باشد؛ چرا که نویسنگان این کتاب‌ها سعی کرده‌اند در این دوره از کتاب‌ها اعتقادات اسلامی را با براهین عقلی و برگرفته از قرآن و حدیث بیان کنند و جلوه‌ای از همراهی قرآن و حدیث و کلام را ارائه دهند. در واقع هدف آنها این بوده که یک دورهٔ کامل از عقاید دینی یعنی خداشناسی، نبوت، امامت، معاد، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی را با استفاده از استدلال‌های عقلی از قرآن و روایات اهل بیت استنباط، تبیین و اثبات کنند.

۱. برای دیدن آثار ایشان، ر.ک: کتاب‌شناسی آیة الله ری‌شهری، پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی حوزه:

[/https://hawzah.net/fa/Article/View/105810](https://hawzah.net/fa/Article/View/105810)

۲. برای مطالعهٔ فهرست آثار آیة الله ری‌شهری، ر.ک: پایگاه حدیث نت (<http://hadith.net/post/55745>) و پایگاه رسمی محمد محمدی ری‌شهری (<http://www.reyshahri.ir/posts/3807>)

۳. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷)، با همکاری: عبدالهادی مسعودی، علی‌تقی خدایاری و رضا برنجکار، قم: دارالحدیث.

۴. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۱)، داشن‌نامه عقاید اسلامی، مترجم: مهدی مهریزی؛ قم: دارالحدیث، سوم.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

بررسی تاریخی رابطه کلام و حدیث نشان داد که این دو دانش در دوره اول از تاریخ حوزه قم دوم، اندکی از هم فاصله گرفتند و علم کلام، بیشتر با رنگ فلسفی و مستقل از حدیث نمود یافت؛ لکن بعد از گذشت سه دهه از تأسیس این حوزه، به یکدیگر تقرّب پیدا کردند و غربت حدیث به قرابت تبدیل شد و کلام - حدیثی رونقی دوباره یافت و کتاب‌های متعددی به سبک حدیثی - کلامی نشر یافت که ذکر همه آنها در این مجال ممکن نبود و ما به معرفی چند مورد محدود از هزاران مورد، بسته کردیم.



نشرسالنامه علمی تاریخی - سال هفدهم - شماره سه و چهارم - پانزده و میسان ۱۴۰۱

كتاب نامه

١. بخاری، محمد بن اسماعیل (١٤١٠ ق)، صحيح البخاری، قاهره: جمهوریة مصر العربية، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة إحياء كتب السنة، دوم.
٢. برقی، سید ابوالفضل (١٣٨٨ ش)، درسی از ولایت، بی‌جا: بی‌نا.
٣. برقی قمی، سید ابوالفضل (الف ١٣٩٤ ش)، قرآن برای همه، اختصار و مقدمه: عبدالله حیدری، بی‌جا: بی‌نا (بارگذاری شده در پایگاه اینترنتی کتابخانه عقیده: www.aqeedeh.com).
٤. برقی قمی، سید ابوالفضل (ب ١٣٩٤ ش)، گزیده‌ای از زندگی نامه سید ابوالفضل برقی به قلم خود نویسنده، اختصار و مقدمه: عبدالله حیدری، بی‌جا: بی‌نا (بارگذاری شده در پایگاه اینترنتی کتابخانه عقیده: www.aqeedeh.com).
٥. تصدیقی شاهرضایی، علی (اسفند ١٣٩٣)، «تقدیدگاه و عملکرد جریان قرآنیان شیعه»، مجله معارف، شماره ١٠٧.
٦. تصدیقی شاهرضایی، علی و سید رضا مؤدب (پاییز و زمستان ١٣٩٣)، «تقدیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن قرآنیان شیعه»، پژوهش دینی، دوره ١٤، شماره ٢٩.
٧. تقوی، سید صادق (١٣٢٦ ش)، یک روش جدید و علمی برای از بین بردن کلیه اختلافات جزئی مسلمانان، بی‌جا: بی‌نا.
٨. جعفری، مائده، عبدالمجید طالب‌تاش، فیض الله اکبری دستک (پاییز و زمستان ١٤٠٠)، «تقد و بررسی دیدگاه حیدرعلی قلمداران در مسئله امامت حضرت علی علیهم السلام»، مجله پژوهش دینی دوره ٢٠، شماره ٤٣.
٩. جعفریان، رسول (١٣٩٢)، جریان و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، تهران: نشر علم، دوم.
١٠. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم (١٣٧٩)، گلشن ابرار، زیر نظر: پژوهشکده باقرالعلوم علیهم السلام وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، قم: نشر معروف.
١١. خرقانی، اسدالله (١٣١٥)، محو الموهوم و صحوا المعلوم یا راه تجدید عظمت و قدرت اسلامی، بی‌جا: بی‌نا.
١٢. دهقانی رضا و جواد علیپور سیلاط (پاییز و زمستان ١٣٩٢)، «اصلاح دینی دوره پهلوی اول با تکیه بر آراء شریعت سنگلچی»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال چهارم، شماره ٧.

۱۳. راوندی، مرتضی (۱۳۵۴)، *تاریخ اجتماعی ایران* (۳ جلد)، تهران: امیر کبیر.
۱۴. رباني گلپایگانی، علی (۱۳۷۸)، *الاهیات فی مدرسه اهل البیت*، قم: لوح محفوظ، اول.
۱۵. رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۸۴)، «جامع أحاديث الشيعة في أحكام الشريعة»، چاپ شده در: *دانشنامه جهان اسلام* (جلد ۹)، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۱۶. رضوی، رسول (۱۳۹۳)، *كتاب‌شناسی احادیث اعتقادی*، قم: دارالحدیث، اول.
۱۷. _____ (۱۳۹۶)، *تاریخ کلام امامیه، حوزه‌ها و جریان‌های کلامی*، قم: دارالحدیث، اول.
۱۸. روحانی، مقداد (مرداد ۱۳۸۴)، «مأمور "انجمن سری" در نجف: نگاهی به زندگی و فعالیت‌های سید اسدالله خرقانی»، *زمانه*، سال چهارم، شماره ۳۵.
۱۹. زارع، حامد (آبان ۱۳۹۴)، «کدام بازگشت به قرآن»، *ماه‌نامه مهندسی*، سال ششم، شماره ۴۴.
۲۰. سنگلچی، شریعت (۱۳۴۵)، *کلید فهم قرآن*، *بانضمام براهین القرآن*، تهران: مؤسسه انتشارات دانش، پنجم.
۲۱. شعار، یوسف (۱۳۶۹ ش)، *تفسیر آیات مشکله*، تهران: مجلس تفسیر قرآن.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۲ ش)، *الهیات در نهج البلاغه*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیہ قم و دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۰)، *منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر*، قم: دفتر آیة الله صافی.
۲۴. صافی، لطف الله (۱۳۶۶ ش)، *حسین علیہ شهید آگاه و رهبر نجات‌بخش*، مشهد مقدس: مؤسسه نشر و تبلیغ چاپ.
۲۵. صالحی نجف‌آبادی، نعمت الله (۱۳۵۰)، *شهید جاوید*، قم: بی‌نا.
۲۶. طالعی، عبدالحسین (بهار ۱۳۹۰)، «كتاب‌شناسی نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الانوار»، *مجلة امامت پژوهی*، شماره ۱.
۲۷. عجمی، مهدی و جواد امیریان و محمد اکبری (۱۳۹۷)، «بررسی و نقد دیدگاه قرآنیان شیعه (قرآن‌بسندگی)»، قم: دبیرخانه چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۲۸. غلامی، فتاح (۱۳۸۹)، «دگراندیشانی که خود را اصلاح‌گران دینی می‌نامیدند»، *یاد ایام*، شماره ۵۶.

۲۹. فرید تنکابنی، عبدالوهاب (۱۳۵۶ ش)، اسلام چنانکه بود، بی‌جا: توحید.
۳۰. قلمداران، حیدرعلی (۱۳۷۳)، سلسله راه نجات از شرّ غلات، بی‌جا: بی‌نا (بارگذاری شده در پایگاه اینترنتی کتابخانه عقیده: www.aqeedeh.com).
۳۱. قلمداران حیدرعلی (۱۳۹۰)، شاهراه اتحاد (بررسی نصوص امامت)، تصحیح و مراجعه: اسحاق دبیری، ریاض: انتشارات حقیقت، دوم.
۳۲. کریمی، احمد و فاطمه دانشی (تابستان ۱۴۰۰)، «پیش‌فرض‌ها و مبانی اعتبارسنجی روایات مهدوی علیهم السلام در کتاب شریف منتخب‌الاثر»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال هجدهم، شماره ۵۰، صفحه ۱۵۷ - ۱۷۹.



جمهوری اسلامی ایران کتابخانه ملی و اسناد ملی

۳۳. کمره‌ای، محمد (۱۳۸۴ ش)، روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای (جلد ۲)، تهران: اساطیر.
۳۴. کوشان، محمد دعلی (خرداد و تیر ۱۳۹۰)، «موسوعة الامامة في نصوص أهل السنة»: كتابی بزرگ و مستند به روایت اهل سنت در امامت دوازده امام، آینه پژوهش، دوره ۲۲، شماره ۱۲۸، صفحه ۶۹ - ۷۶.
۳۵. گرانتوفسکی، ادوین آرویدوویچ (۱۳۵۹ ش)، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه: کیخسرو کشاورزی، تهران: پویش.
۳۶. لنگرودی، ابوالفضل (مرداد و شهریور ۱۳۷۰)، «نگاهی به روش فقهی مصلح بزرگ، آیة الله بروجردی علیهم السلام»، آینه پژوهش، دوره دوم، شماره ۷، صفحه ۷ - ۳۰.
۳۷. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۱)، دانشنامه عقاید اسلامی، مترجم: مهدی مهریزی: قم: دارالحدیث، سوم.
۳۸. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷)، موسوعة العقائد الإسلامية في الكتاب والسنّة، با همکاری: عبدالهادی مسعودی، علی نقی خدایاری و رضا برنجکار، قم: دارالحدیث.
۳۹. محمدی‌فام، حسین و سید مجید نبوی (تابستان ۱۳۹۷)، «نقد و بررسی دلایل ابوالفضل برقی در مدعای "قرآن بسنندگی در تفسیر"»، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صفحه ۹۹ - ۱۲۷.
۴۰. مدرسی چهاردھی، مرتضی (آبان ۱۳۵۲)، «شریعت سنگلچی»، مجله وحید، شماره ۱۱۹.
۴۱. مرعشی، سید شهاب الدین (۱۳۹۷)، موسوعة الامامة في نصوص اهل السنة، به اهتمام محمود مرعشی نجفی و محمد اسفندیاری، قم: صحیفه خرد و کتابخانه آیة الله العظمی مرعشی نجفی.

۴۲. مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ ق)، صحیح مسلم (ج ۳)، قاهره: دارالحدیث، اول.
۴۳. موسوی، سید علیرضا (۱۳۷۶)، «گزارشی از لجنة التحقیق احقاق الحق»، فرهنگ کوثر، شماره ۲.
۴۴. موسی‌وند، محسن (پهار و تابستان ۱۳۹۹)، «بررسی ادلهٔ قرآنیان ایران در نقد منصوصه بودن امامت (مطالعهٔ موردی نقدهای برقلعی و قلمداران و طباطبایی)»، جستارهایی در فلسفه و کلام، سال پنجم و دوم، شماره ۱۰۴، صفحه ۱۸۵ - ۲۰۰.
۴۵. هاشمی علی‌آبادی، سید احمد و محمد‌مهدی داورپناه (زمستان ۱۳۹۸)، «بررسی و نقد مبانی فکری قرآنیون در مورد قرآن‌بساندگی و نابسنندگی سنت رسول اکرم ﷺ با تکیه بر آراء دکتر احمد صبحی منصور»، نشریه علمی آینهٔ معرفت، دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۹، شماره ۶۱، صفحه ۱۰۵ - ۱۲۸.
۴۶. یعقوبی، محمد‌ایلیا (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، «روشن‌شناسی نقد کتاب توسط علامه میرحامد حسین هندی در عبقات الأنوار و منبع‌شناسی عبقات الأنوار»، مطالعات حدیث‌پژوهی، سال اول، شماره ۱ و ۲، صفحه ۱ - ۱۸.
۴۷. پایگاه‌های اینترنتی
۴۸. پایگاه اینترنتی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان، شهر بروجرد، زندگی‌نامه «حضرت آیة الله غلامرضا مولانا بروجردی»: <https://boroujerd.farhang.gov.ir/fa/mafakher/molana>
۴۹. پایگاه حدیث نت، فهرست آثار آیة الله محمد محمدی ری‌شهری: <http://hadith.net/post/55745>
۵۰. پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی حوزه، کتاب‌شناسی آیة الله ری‌شهری <https://hawzah.net/fa/Article/View/105810>
۵۱. پایگاه رسمی آیة الله محمد محمدی ری‌شهری: <http://www.reyshahri.ir/posts/3807>
۵۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۴)، پایگاه کتابخانهٔ تخصصی تاریخ اسلام و ایران: <https://historylib.com/articles/644>
۵۳. خبرگزاری رسمی حوزه (۱۳۹۴/۱۲/۲۹)، «آیة الله مولانا بروجردی که بود؟»: <https://www.hawzahnews.com/news/374944>
۵۴. ویکی‌نور، زندگی‌نامه و آثار «علی ربانی گلپایگانی»: <https://fa.wikinoor.ir/wiki>